

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه  
سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۴ هـ. ش / ۱۴۳۶ هـ. ق / ۲۰۱۵ م، صص ۱۰۵-۱۲۵

## بررسی تطبیقی سبک زبانی و فکری و واکاوی زبان جنسیتی در اشعار پروین اعتصامی و نازک الملائکه<sup>۱</sup>

قاسم مختاری<sup>۲</sup>

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک، ایران

معصومه درخشان<sup>۳</sup>

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک، ایران

### چکیده

ادبیات تطبیقی در پی یافتن جوهره اصلی ادبیات انسانی است تا با شناخت آن بر غنای فکر و اندیشه انسان بیافزاید و با نزدیک ساختن فکر و اندیشه انسان‌ها، زمینه تفاهم و صلح جهانی را فراهم سازد. پروین اعتصامی و نازک الملائکه از شاعران بنام و صاحب سبک در ادب فارسی و عربی هستند. پژوهش حاضر با فرض بر این اصل که بین متغیرهای اجتماعی جنس و ویژگی‌های زبانی گروه‌های آن، ارتباطی مستقیم و قاعده‌مند وجود دارد، سعی دارد تا با تکیه بر گرایش‌های عام حاکم بر رفتارهای کلامی گروه زنان، ثابت نماید که پروین اعتصامی و نازک الملائکه در بیشتر مختصات زبانی از جمله: استفاده از صورت‌ها و اقلام واژگانی، کاربرد ساخت‌ها و الگوهای زبانی، انتخاب موضوع و ویژگی‌های کاربردی و فرازبانی، کاملاً موافق با روحیات و خلق و خوی زنانه عمل کرده‌اند؛ بنابراین می‌توان آثار پروین اعتصامی و نازک الملائکه را نموداری واقعی از گزیده‌های کلامی یک زن دانسته و نشان داد که اشعار این دو شاعر بیانگر خلق و خوی و سبک زنانه است و بیشتر ویژگی‌های زبان جنسیتی گروه جنس خود را منعکس نموده است. تفاوت اشعار آن دو در کمیت به کارگیری مضامین زنانه است و این مضامین در اشعار پروین اعتصامی برجسته‌تر می‌نماید. این پژوهش براساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی صورت گرفته است.

**واژگان کلیدی:** ادبیات تطبیقی، سبک زنانه، زبان جنسیتی، پروین اعتصامی، نازک الملائکه.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۷

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۵

۲. رایانامه نویسنده مسئول: q-mokhtari@araku.ac.ir

۳. رایانامه: derakhshanm46@yahoo.com

## ۱. پیشگفتار

سبک زنانه به عنوان یکی از زیرشاخه‌های سبک‌شناسی، ساختار زبان زنان و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که تبیین می‌کند از یک جانب شعر آنان با شعر مردان تفاوت‌های زبانی و محتوایی دارد و از دیگر سو در گستره شعر شاعران زن نیز ساختار یک‌دستی دیده نمی‌شود. زنان با چشم‌انداز زنانه خویش به زندگی، جامعه، انسان‌ها، آرزوها، یأس‌ها، امیدها و به همه مظاهر اجتماعی، فرهنگی و عاطفی خود می‌نگرند و دل‌مشغولی‌های فردی و ذهنی خود را به تصویر می‌کشاند. در فضای مردسالار حاکم و در طول قرن‌ها غلبه حضور مردان در صحنه شعر و ادب، نام دو زن در کارنامه شعر فارسی و عربی می‌درخشد؛ پروین اعتصامی با پیروی کامل از شعر کهن فارسی (از نظر قالب و محتوی) و نازک الملائکه با شکستن سنت‌های کهن عربی (از نظر قالب و محتوی).

«در سده هیجدهم، زنان به اندازه مردان (یا حتی بیشتر) و با موفقیتی مشابه مردان می‌نوشتند و اعتباری هم‌سنگ با مردان کسب کردند. اما این موفقیت زنان نه تنها از تاریخ ادبیات حذف شده بلکه گزارشی نادرست نیز به جای آن قرار گرفته است؛ گزارشی که از عظمت پیشین زنان، ذکری به میان نمی‌آورد» (نجم عراقی و دیگران، ۱۳۸۵: ۷۵). بنابر شواهد تاریخی، زنان در ایران باستان، مقام و منزلت والایی داشتند. در اوستا نام زن و مرد در یک ردیف نگارش یافته و در دعاهایی که برای دین خوانده می‌شده است، زنان در کنار مردان حضور داشته‌اند (علوی، ۱۳۸۶: ۱۵). در میان عرب‌ها نیز نخستین جنبش‌ها برای پررنگ ساختن حضور زنان و نجات آن‌ها «از زیر دندان خلیفه‌ها» در مصر آغاز شد (قبانی، ۱۳۶۳: ۴۷).

از آنجا که باور غالب بر این است که پروین اعتصامی شاعره‌ای مردانه‌گو و مردانه‌سرا بوده است و برخی به نازک الملائکه نیز این لقب را داده‌اند، این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست:

الف. آیا ویژگی‌های ساخت‌وازی زبان پروین اعتصامی و نازک الملائکه با مردان فرق دارد؟

ب. آیا پروین اعتصامی و نازک الملائکه به راستی شاعرانی مردانه‌سرا بوده‌اند؟

ج. بسامد به کارگیری واژگان و مضامین حوزه زنان در شعر این دو شاعر به چه صورت است؟

د. وجوه اشتراک و افتراق کاربرد سبک و زبان زنانه در اشعار این دو شاعر منحصر به چه مواردی است؟

این مقاله ضمن ارائه نظرات و دلایل نظریه پردازان در این راستا، در پی آن است تا پس از بررسی و تحلیل اشعار این دو شاعر با استناد به یافته‌های جامعه‌شناسان زبان درباره گونه جنس، نشان دهد که اشعارشان حاصل توانش کلامی و عواطف زنانه بوده است. «گونه جنس» به عنوان یک متغیر اجتماعی تعریف شده، و سپس تمایزهای جنسیتی در شعر این دو شاعر با نمونه‌های مستدل ارائه خواهد شد و زمینه بحث را مهیا خواهد نمود تا بتوان به تحلیل اشعار پروین اعتصامی و نازک الملائکه در چارچوب اصول حاکم بر گونه جنس پرداخته و از این طریق، سبک زنانه این دو شاعر را اثبات کرد.

روش این پژوهش کتابخانه‌ای است و در آن سعی شده با مراجعه به دواین و منابع موجود از هر دو شاعر، اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش، جمع‌آوری و سپس به دسته‌بندی اطلاعات مورد نیاز بر اساس موضوع تحقیق، اقدام و آنگاه مواد و اطلاعات گردآوری شده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و نتایج آن بیان شده است.

### ۱-۱. پیشینه تحقیق

پروین اعتصامی و نازک الملائکه از شاعران پر آوازه ادب عربی و ادب فارسی هستند. بدیهی است که پژوهش‌های بسیاری در خصوص شعر هریک از این دو شاعر و به صورت تطبیقی صورت گرفته باشد که در این جا به برخی از آن‌ها به عنوان نمونه اشاره می‌نمایم:

۱. «پروین اعتصامی و نازک الملائکه نظرة إلى أسلوبهما الشعري و مضامینهما الشعرية المشتركة»، علی نظری، مجله العلوم الانسانية سال ۲۰۰۹، شماره ۱۶، صص ۱۳۴-۱۱۳ / ۲. «عشق در آینه اشعار پروین اعتصامی و نازک الملائکه»، لاله احیایی، نشریه سخن عشق، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۱۳۴-۱۱۹ / ۳. پایان نامه «مقایسه اجتماعی نازک الملائکه با پروین اعتصامی»، نرگس قندهاری، ۱۳۸۶ / ۴. پایان نامه «بازتاب ملکات انسانی در شعر نازک الملائکه و پروین اعتصامی»، محسن خسروآبادی، ۱۳۸۴ / ۵. «نقد اصالت زن در شعر پروین اعتصامی»، قاسم صحرائی، ۱۳۸۹، مجله تحقیقات زبان و ادب فارسی، شماره ۳، صص ۱۲۴-۱۱۱ / ۶. «نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه پروین اعتصامی»، ابوالفضل ذوالفقاری، ۱۳۹۰، مجله زن در فرهنگ و هنر، شماره ۳، صص ۳۶-۱۹ / ۷. «نقد و دراسة الألوان في شعر نازک الملائکه»، علی پیرانی شال، ۱۳۹۲، مجله دراسات الأدب المعاصر، شماره ۱۷، صص ۲۶-۹ / ۸. «تبیین مؤلفه‌های هویت سنتی و مدرن زن در شعر پروین اعتصامی»، مریم صادقی گیوی، ۱۳۹۰، مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۰، صص ۲۲۸-۲۰۷ / ۹. «شعر فمینیستی

نویافته‌ای از پروین اعتصامی»، مریم حسینی، ۱۳۸۹، مجله پژوهش زنان، دوره دوم، شماره ۱، صص ۲۲-۵. ۱۰/ «پروین فمینیست نبود؛ نقد نابرابری‌های جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی از دیدگاهی زنانه» حبیب احمدی، ۱۳۸۸، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۲۲، صص ۱۱۸-۹۵/۱۱. «تمایزگونی جنسیت در اشعار پروین اعتصامی»، آزاده شریفی مقدم و آناهیتا بردبار، ۱۳۸۹، دو فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، صص ۱۵۱-۱۲۶.

اما تاکنون پژوهشی به بررسی تطبیقی زبان جنسیتی در اشعار پروین اعتصامی و نازک الملائکه نپرداخته است. تفاوت این پژوهش با دیگر پژوهش‌هایی مرتبط با موضوع در واکاوی زبان جنسیتی و تحلیل اشعار این دو شاعر و اثبات فکر و سبک زنانه و سپس مقایسه این تحلیل‌ها در اشعار این دو شاعر می‌باشد.

## ۲. پردازش تحلیلی موضوع

### ۲-۱. سبک‌شناسی و سبک زنانه<sup>۱</sup>

سبک را شیوه بیان در گفتار و نوشتار دانسته‌اند. سبک در واقع سامان حرکت تفکر آدمی درباره چیزها و پدیده‌هاست؛ از این رو، سبک داشتن، یعنی گفتن و نوشتن آنچه به خودی خود در اندیشه آدمی می‌گذرد و یا بیان امر آن چنان که به راستی احساس و اندیشه شده است و چون رفتار و کردار آدمی از تفکر او سر می‌زند، سبک اندیشه در اخلاق و سلوک اجتماعی انسان پدیدار می‌گردد (عبادیان، ۱۳۶۸: ۹).

اصطلاح سبک‌شناسی فمینیستی را نخستین بار در نوشته‌های سارا میلز<sup>۲</sup> (۱۹۹۵م) می‌بینیم. پژوهش‌های سبک بر اساس دیدگاه سبک‌شناسی فمینیستی، بنیادی ایدئولوژیک دارد که در واقع عبارت است از، خوانش اجتماعی متن و بررسی وضعیت یک ایدئولوژی در سخن. پس کار سبک‌شناسی زنانه عبارت است از: بررسی سبک از چشم‌انداز باورها و عقاید مربوط به موقعیت اجتماعی و حقوق زن (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۹۵).

زبان‌شناسان بر آن‌اند که زنان نسبت به رفتارهای زبانی خود و دیگران حساس‌تر از مردان‌اند و در یک بافت رسمی، بسیار بیش از مردان به زبان معیار پایبندتر هستند؛ زیرا حساسیت ایشان نسبت به

---

1. Feminine  
2. Sara Mills

موقعیت اجتماعی‌شان سبب می‌شود که از الگوهای رسمی‌تر و گونه‌های معتبر زبان استفاده کنند. برخورد زنان با زبان به مثابه رفتار اجتماعی بسیار متفاوت با مردان است. زنان از آن جهت نسبت به درستی گفتار خود حساس‌اند که در هنگام گفتار، کم‌تر احساس امنیت می‌کنند (همان: ۴۰۱-۴۰۰). اصولاً کاربران مؤنث در قیاس با جنس مذکر از صورت‌های بهتر و درست‌تر زبان استفاده می‌کنند؛ زیرا آن‌ها نسبت به اهمیت اجتماعی متغیرهای زبانی مربوط به طبقه اجتماعی خود حساس‌ترند (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۱۱۶-۱۱۵).

لوس ایریگاری<sup>۱</sup> و ژولیا کریستوا<sup>۲</sup>، نظریه پردازان این رویکرد معتقدند، زبان به گونه‌ای نظام یافته است که وجود زنانه را نفی می‌کند. ایریگاری به شرایطی می‌نگرد که در آن وضع زن در قلمرو نمادین ممکن است، دگرگون شود. او معتقد است مردان زنانگی را تعریف کرده‌اند. این تعریف متأثر از تقسیم‌بندی دو وجهی حاکم بر اندیشه غربی و فرض دوگانگی متضادی است که همیشه در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند (مکاریک، ۱۳۸۳: ۳۹۲).

## ۲-۲. دیدگاه‌های مربوط به گونه جنس

از میان گونه‌های مختلف زبان، بیشترین توجه از سوی زبان‌شناسان و نیز غیر زبان‌شناسان به گونه جنس معطوف بوده است. حاکمیت صورت‌گرایان، تأکید بر جنبه‌های صوری و ساختاری زبان، در حاشیه قرار دادن ویژگی‌های اجتماعی مؤثر بر زبان و نیز شیوه مردم‌دانه گویش‌شناسان در ثبت داده‌های گویشی، از جمله موانع توجه جدی به مطالعه تمایزهای جنسیتی در زبان بود (پاک‌نهاد جبروتی، ۱۳۸۱: ۳۶-۳۵).

مطالعاتی که در زمینه گونه جنس انجام گرفته متأثر از دو دیدگاه کلی بوده است که دارای ترتیب تاریخی نسبت به یکدیگرند. اولین دیدگاه تحت تأثیر نظرات ادوارد ساپیر<sup>۳</sup>، انسان‌شناس مشهور است که معتقد به نوعی جبرگرایی در زبان بوده است. از دیدگاه ساپیر «زبان شکل‌دهنده درک ما از جهان خارج است. نظام‌های فکری تحت تأثیر زبان اجتماع می‌باشد؛ به طوری که زبان حاکم در جامعه، اندیشه ما را در مورد واقعیت شکل می‌دهد» (ساپیر، ۱۳۹۱: ۵۷۸).

---

1 . Luce Irigaray  
2 . Julia Kristeva  
3 . Edward Sapir

طرفداران این نظریه به برخی واژه‌ها همچون «آدم»، «مرد» و «مردم» در فارسی و man در انگلیسی و واژه «رجل» در عربی اشاره می‌کنند که علاوه بر مفهوم خاص خود، به معنای «مذکر» و در معنای عام یعنی «بشر» نیز به کار می‌روند.

در انتقاد به نظریه فوق، عده‌ای کوشیده‌اند با استناد به شواهد تاریخی و تغییرات در زمانی، مسأله را توضیح دهند. مالمک جار<sup>۱</sup>، با نمونه‌هایی از متون باستان توضیح می‌دهد که واژه man در انگلیسی باستان، از جهت مقوله جنس خنثی بوده و به معنای «بشر و انسان» بکار می‌رفته است (مالمک جار، ۲۰۰۰: ۲۵۹).

دیدگاه معاصر، نوعی رابطه مستقیم یا تأثیر نظام‌مند بین متغیر جنس و زبان قائل بوده و آن را حاصل انتخاب آگاهانه از میان ساختارهای زبانی موجود می‌داند که توسط اهل زبان صورت می‌گیرد. در اینجا گونه جنس، فرایندی است که حاصل فعالیت آگاهانه و اجتماعی اهل زبان می‌باشد و نه محصول ساخت‌های از پیش تعیین شده (وارد هوق، ۱۹۹۰: ۳۰۲).

## ۲-۲. ویژگی‌های گونه گفتاری زنان

مطالعات متعدد نشان داده است که دو گروه زنان و مردان، از گونه زبانی متفاوت و متمایز از یکدیگر برخوردارند. ویژگی‌های عام گونه زبانی زنان را می‌توان با توجه به سطوح مختلف زبانی، به صورت زیر طبقه‌بندی و خلاصه نمود:

۳-۲-۱. **واژگان:** براساس تحقیقات انجام گرفته، گروه‌های جنس در انتخاب برخی اقلام واژگانی، متفاوت عمل می‌کنند. «کیت»<sup>۲</sup> و «شاتل ورث»<sup>۳</sup> معتقدند زنان دایره لغات محدودتری داشته و از کلمات تکراری بیشتری استفاده می‌کنند؛ به علاوه، دو گروه در توضیح و توصیف صحنه‌ها و وقایع نیز متفاوت عمل می‌کنند. به اعتقاد آنان مردان در توضیح، دقیق‌تر و موفق‌تر از زنان عمل می‌کنند. «لیکاف»<sup>۴</sup> نیز حوزه واژگان دو گونه جنس را در موارد زیر متمایز می‌داند:

۳-۲-۲. **واژگان مربوط به رنگ و گل:** دایره لغت رنگ در گروه خانم‌ها وسیع‌تر است. آنان از اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که در میان گروه آقایان معمول نیست. رنگ‌های mauve و beige

1. Malmkjar

2. Kate

3. Shuttleworth

4. Lakoff

(ارغوانی روشن و نخودی) در زبان انگلیسی و رنگ‌های «نخودی، عدسی، موشی و فیلی» در زبان فارسی که در گونه زبانی زنان معمول است، این تفاوت را نشان می‌دهد؛ به علاوه کاربرد اسامی گل‌ها در مفهوم ارجاعی و غیر ارجاعی در گونه زنان رایج‌تر است» (شریفی مقدم و بردبار، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

۳-۳-۲. **صورت‌های (وصفی) عاطفی:** واژه‌هایی چون «طفلك، ناز، موشی، حیوونی» در زبان فارسی و sweet divine, lovely (بانمک، الهی، ناز و دوست‌داشتنی) در زبان انگلیسی، که دارای بار احساسی و عاطفی بوده و نمایانگر حس و احساس فرد بوده و نوعی همدردی را نشان می‌دهد، در گونه گفتاری زنان معمول‌تر است (همان).

۴-۳-۲. **عناصر مؤکد:** در زبان، عناصری وجود دارد که جنبه اطلاع‌رسانی ندارند؛ بلکه بیشتر جنبه تأکیدی دارند؛ مانند: قسم‌ها و نفرین‌ها. کاربرد این دسته از واژه‌ها نیز در دو گروه، متفاوت است. ساخت‌هایی چون انصافاً، عمراً، به مولا و خدا و کیلی خاص گونه زبانی مردان بوده و برخی قسم‌ها همچون قسم به معصومین در گونه زنان معمول است (همان: ۱۳۵).

۲-۲. **ویژگی‌های کاربردی و فرازبانی:** کاربرد نشانه‌های غیر کلامی همچون حالت‌های چهره، دست‌ها و چشم‌ها هنگام صحبت کردن نیز در دو گروه متفاوت است. این حرکات در گروه زنان شایع‌تر بوده و بخش مهمی از نظام ارتباطی آنان را تشکیل می‌دهد (همان: ۱۳۷).

۴-۴-۱. **موضوع:** تفاوت دیگری که میان رفتارهای کلامی زنان و مردان وجود دارد، انتخاب موضوع گفتگو است. خانم‌ها ترجیح می‌دهند درباره موضوع‌هایی چون طرح مسائل اجتماعی همانند: مسائل مربوط به خانه و خانواده، افراد، آشپزی، مد و تجربه‌های شخصی سخن گویند؛ ولی گفتگوی مردان بیشتر پیرامون ابزارآلات، اتومبیل، سیاست، ورزش و انتقاد از شرایط اجتماعی حاکم می‌باشد. مردان کمتر به طرح مسائل شخصی و خصوصی خود و نیز ورود به حوزه‌های شخصی دیگران علاقه دارند، اما از بیان موضع مخالف و ایجاد بحث ابائی ندارند (همان).

۵-۲. **لحن گفتار:** تمایز دیگر به لحن گفتار مربوط می‌شود. صمیمیت بیشتر به ویژه در جمع هم-جنسان، از ویژگی‌های دیگر گونه زبانی زنان است. گرایش آنان به کاربرد برخی اسم‌های خاص در جمع و حتی ورود به حوزه شخصی دیگران، از نشانه‌های این صمیمیت است (همان).

در ادبیات رمان، زبان، بخشی از شخصیت و روان‌شناختی شخصیت است و وسیله ارتباط ساده در این مقوله است. پس زبان می‌تواند: زبان خراسانی، زبان تاریخ، زبان مرد، زبان زن و زبان کودک باشد و ارتباط بین شخصیت‌های رمان، به معنای ارتباط زبان روان‌شناختی است (براهنی، ۱۳۷۴: ۲۷۶).

امروزه صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان ادبیات، اعم از فمینیست‌ها یا غیر آنان، از اعتقاد به اینکه توان حیاتی ذهن، همه نیروهای آفرینش‌گر و چگونگی شکل‌گیری غریزه‌ها، کیفیت‌های «مردانه» است و یا هنگامی که در زنان رخ می‌نماید، باید «مردانه» توصیف شود، دست کشیده‌اند. پس از هزاران سال فرهنگ مردسالاری، که در جریان آن، هم اندیشه و هم فرایندهای تفکر بر پایه عادت‌های ذهنی مردان شکل گرفته بود، جای شگفتی نیست که واژه‌های دوران ستیز زن و مرد همچنان بکار می‌رود (مایلز، ۱۳۸۰: ۲۸۹).

«الین شوالتر»<sup>۱</sup> منتقد فمینیست در مقاله «نقد زن‌محورانه در برهوت» چهار طرح در ارتباط با بررسی آثار نویسندگان زن ارائه می‌دهد:

- طرح بیولوژیکی که معتقد به تأثیر جسم زن بر متن ادبی به وسیله ارائه تشبیهات خاص و لحن شخصی آنان است.

- طرح زبان‌شناسانه که بر تمایز کاربردی عنصر زبان در آثار نویسندگان زن و مرد تأکید می‌ورزد.

- طرح روان‌کاوانه که بر اثر روانی تفکر زنانه در آفرینش آثار دلالت دارد.

- طرح فرهنگی که بر تأثیرگذاری جامعه زنان نویسنده، بر شکل‌گیری هدف‌ها، واکنش‌ها و نظریه‌های زنان تکیه دارد» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۳۷-۳۶).

تحلیل و بررسی این تحقیق براساس طرح بیولوژیکی و زبان‌شناسانه می‌باشد. طبق آنچه پیش‌تر عنوان شد، گونه زبانی زنان به طرز منظم و قاعده‌مند از گونه زبانی مردان متمایز است. این تفاوت را می‌توان در سطوح مختلف زبانی از جمله: حوزه واژگان، لحن، قواعد زبانی و گفتمان مشاهده و طبقه‌بندی کرد. علاوه بر این، هرچه کاربرد زبان به گونه گفتاری نزدیک‌تر باشد، تمایزهای گونه جنس آشکارتر است. حال آنکه گونه کلامی پروین اعتصامی و نازک الملائکه به دلیل انتخاب نوع عناصر واژگانی و نیز میزان ارتباط با مخاطب، به گونه گفتاری نزدیک می‌باشد. در این بخش فرض بر این است که می‌توان با استناد به ممیزه‌های جنسیتی مستند نشان دهیم که اشعار آنان بیانگر خلق و



خوی و روحیات زنانه بوده و بیشتر ویژگی‌های گونه‌زبانی گروه جنس خود را منعکس نموده است. در ادامه بحث، ویژگی‌های گونه جنس را به تفکیک سطوح و حوزه‌های زبانی، ارائه و توضیح خواهیم داد.

## ۲-۶. بحث و تحلیل داده‌ها

### ۲-۶-۱. حوزه واژگان

ویژگی بارز اشعار پروین، ساده‌گویی است. این ویژگی که خود امکان ارتباط بهتر و بیشتر این شاعر را با مخاطب فراهم نموده است، حاصل کاربرد ساختارهای دستوری غیر پیچیده، توصیف‌های راحت و نیز اقلام واژگانی عام و حتی تکراری است. صحنه‌های توصیفی وی در قالبی قابل فهم ارائه می‌شود؛ نمونه‌های زیر از آن جمله است:

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی      فریاد شوق بر سر هر کوی بام خاست

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۱۸۲)

به وقت غله خرمن توده کردی      دل از تیمار کار آسوده کردی

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۱۲۴)

دایره واژگانی بکار رفته در این دیوان، از گستره و تنوع زیادی برخوردار نبوده و به کرات به واژگان تکراری برمی‌خوریم.

واژه	گل و گلشن	مرغ و مرغک	باغ و باغبان	خاک	هنر	مور	کودک	چمن	مادر	اشک	طفل
تعداد	۴۱۵	۱۱۷	۱۳۴	۱۲۶	۹۰	۶۷	۶۱	۶۹	۵۴	۵۴	۵۳

جدول شماره ۱. بسامد واژگان تکراری در دیوان پروین اعتصامی

نازک الملائکه نیز همچون پروین اعتصامی در مجموعه اشعار خود از واژگان تکراری بسیاری استفاده کرده است. این ویژگی در آثار این دو شاعر نشان‌دهنده این است که ذخیره لغات شاعران زن از گستردگی و تنوع کمتری برخوردار بوده است. بسامد این واژگان در دیوان این دو شاعر در واژه‌های مختلف بررسی شده و بالاترین تعداد تکرار در دیوان پروین اعتصامی ۴۱۵ بار در واژه « گل و گلشن» است و بالاترین آن در دیوان نازک الملائکه ۲۳۷ بار، در واژه « لیل» است. با توجه به این بررسی، بسامد واژگان تکراری در دیوان پروین برجسته‌تر است.

واژه و وردۀ زهرة	قمر	لیل	نجم	مساء	طفل	لون	موت	قبر	مطر	عطر
تعداد	۶۵	۲۳۷	۸۰	۱۰۱	۳۲	۷۶	۱۶۸	۶۱	۴۶	۱۹۰

جدول شماره ۲. بسامد واژگان تکراری در اشعار نازک الملائکه

تکرار در شعر معاصر ابزاری برای رساندن زیباییات و شاعرانه تر کردن پیام است. هدف از تکرار، تأکید و تحریض می باشد. این تکنیک در شعر معاصر، در خدمت زیبایی ساختار، تبیین عاطفی و احساسی روح شاعر، نیز قرار گرفته است (فخری عمّاره، ۱۹۹۲: ۲۵۷). تکرار کلمات را می توان یکی از ویژگی هایی دانست که در شعر این دو شاعر زن بسیار دیده می شود. نازک علاوه بر تکرار کلمات، از تکرار عبارات نیز استفاده می کند که با تأکید بر مضامین، اصرار در رساندن پیام و تبیین افکار دارد.

احساسات شاعر نیز از جمله انگیزه های تکرار است. وی در شعر «صراع» چنین می گوید:

أحبُّ...أحبُّ...فَقَلْبِي جُنُونٌ / وسورةُ حُبِّ عَمِيقِ الْمَدَى / وَأَكْرَهُ أَكْرَهُ قَلْبِي لَهَيْبٍ / وسورةُ مَقْتِ كَبِيرِ كَبِيرٍ / أحبُّ وَأَكْرَهُ  
...حُبِّي شَفَاءٌ / أحبُّ وَأَكْرَهُ...كُرْهِي أُمِّ / وَأَبْكِي وَأَضْحَكُ...دَمْعِي دِمَاءٌ / وَأَبْكِي وَأَضْحَكُ...ضَحْكِي نَدْمٌ (الملائکه، ۱۹۷۷: ۴۸)

ترجمه: دوست می دارم... دوست می دارم؛ زیرا دلم گرفتار دیوانگی است و غلیان عشقی که بسیار ژرف است، بیزارم...بیزارم، دلم زبانه آتش است و جوشش خشم من بسیار عظیم و گسترده. دوست می دارم و بیزارم... عشق من تیره بختی است، دوست می دارم و بیزارم... نفرت من درد است. می گریم و می خندم... اشک من خون است، و می گریم و می خندم... خنده ام پشیمانی است.

## ۲-۶-۲. واژگان متعلق به حوزه زنان

در میان واژگان بکار رفته در دیوان پروین، به کرات به کلماتی بر می خوریم که دارای بار معنایی یا عاطفی زنانه بوده و یا حاوی ویژگی های معنایی حوزه زنان اند. کاربرد مکرر واژه های «مادر» ۵۴ بار، «دختر» ۱۵ بار، «پیرزن» ۱۴ بار، «بانو» ۶ بار، نمایانگر احساس زنانه و دیدگاه عاطفی وی به جنس زن است؛ نمونه های زیر این گرایش را نشان می دهد:

به سر خاک پدر دخترکی  
صورت و سینه به ناخن می خست

که نه پیوند و نه مادر دارم  
کاش روحم به پدر می پیوست

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۱۸۵)

دختری خرد به مهمانی رفت در صف دخترکی چند خزید

(همان: ۲۱۷)

دختری خرد شکایت سر کرد خوشست ار کلبه‌اش نور از تو

(همان: ۱۱۵)

روز شکار پیرزنی با قباد گفت کز آتش فساد توجزدود آه نیست

(همان: ۱۹۹)

ز راه تجربه، گرهفته‌ای سکوت کنی نه خواجه ماند و بانو، نه شکر و انبان

(همان: ۲۵۳)

ذکر واژه‌های متعلق به حوزه زنان در اشعار نازک الملائکه نسبت به اشعار پروین اعتصامی از بسامد کمتری برخوردار است: حَدَّقِي هَا هُنَا/ مَا فِتَاةَ الْقَصِيدِ/ إِنَّ فِي كَوْنِهِمْ/ رَجْعَ لَحْنِ سَعِيدٍ/ أَنْظُرِي تَلْمِيسِي/ فِي الظَّلَامِ المَدِيدِ/ نَشْوَةَ غُلْفَتٍ/ قَلْبَ هَذَا التَّشِيدِ (الملائکه، ۱۹۹۷: ج ۱: ۴۴۷) ترجمه: ای بانوی شعر! اینجا را نگاه کن، در عالم آنان (شعراء) پژواک یک آوای خوشبخت است، نگاه کن تا در گستره تاریکی، جذبه‌ای را که قلب این ترانه را در برگرفته است، لمس کنی.

استفاده کمتر از این واژه‌ها در شعر نازک الملائکه به دلیل کاربرد فعل‌ها و ضمائر مؤنث در زبان عربی به جای استفاده از خود واژه می‌باشد؛ مانند شعر «مرثیه‌ای برای زنی که در این شعر زنان است، ولی به جای ذکر واژه زن در شعر از ضمائر مؤنث استفاده کرده است؛ و خود واژه «امرأة» فقط در عنوان شعر ذکر شده است:

ذَهَبَتْ وَلَمْ يَشْحَبْ لَهَا خَدٌّ وَلَمْ تَرْتَجِفْ شِفَاهُ

لَمْ تَسْمَعْ الْأَبْوَابَ قِصَّةَ مَوْتِهَا تُرْوَى وَتُرْوَى (الملائکه، ۱۹۹۷: ج ۲: ۱۹۵)

ترجمه: رفت، در حالی که گونه‌هایش رنجور نبود و لب‌هایش نمی‌لرزید. درها، قصه مرگش را که بارها و بارها روایت می‌شد، نشنیدند.

در این بیت ضمائر در «ذهبت، لها و موتها» به «امرأة» باز می‌گردند.

## ۲-۶-۳. استفاده مکرر از واژگان مربوط به رنگ و گل

از دیگر ویژگی‌های دیوان پروین اعتصامی، حضور مکرر رنگ‌ها و نام گل‌ها در آن است. واژه‌های «لاله» ۷۲ بار، «نرگس» ۹ بار، «سوسن» ۱۰ بار، «گل سرخ» ۹ بار و «نسرین، ریحان، بنفشه، یاسمین،

سنبل» بارها در دیوان پروین تکرار شده است. «سیه» ۸۲ بار، «سیاه» ۵۹ بار، «سبز» ۳۸ بار، «سرخ» ۳۴ بار، «زرد» ۸ بار، «سفید» ۷ بار، در شعر این شاعر استفاده شده است؛ از جمله در ابیات زیر:

میان لاله و نرگس چه فرق، هر دو خوش‌اند

که گل به طرف چمن هر چه هست عشوه‌گریست

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۱۸۷)

ز نرگس دل ز نسرین سر شکستند      ز قمری پا ز بلبل پر شکستند

(همان: ۱۰۵)

چهر چمن زرد شد از تندباد      برگ ز گل غنچه ز گل گلشن فتاد

(همان: ۷۵)

نازك الملائكة نیز در اشعارش، واژگان «ورده و زهرة» و انواع گل‌ها (صنوبر، یاسمین، زنبق، سنبل و بنفسج) را ۱۷۱ بار بکار برده است. گرچه از میزان استفاده پروین از این واژه‌ها کمتر است، اما میزان قابل توجهی است:

مِنْ خُيُوطِ الصُّوَى أُرْدِيَنِي/ وَ مِنْ الْأَزْهَارِ الْوَابِي/ لَهَاتُ الْوَرْدِ أَغْنِيَنِي/ وَ خَفَايَا وَ عَالَمٌ تَانِ (الملائكة، ۱۹۷۷: ۳۵۰)

ترجمه: لباسم از تار و پود نور است و رنگ‌هایم از گل‌ها، حرارت و تشنگی گل سرودم و پنهانی‌های جهان، چیز دیگری است.

## ۲-۷. الگوها و ساخت‌های زبانی

### ۲-۷-۱. الگوهای شگفتی و حیرت و حسرت

علاوه بر انتخاب واژگان، پروین اعتصامی به لحاظ کاربرد ساختارهای زبان نیز گرایش‌های گونه‌زبانی گروه جنسیتی خود را منعکس می‌کند که از آن جمله می‌توان به کاربرد نسبتاً زیاد جمله‌های تعجبی اشاره کرد. وی از این طریق ضمن انعکاس احساسات و عواطف زنانه خود، سعی در همسوسازی خواننده با این حس دارد. پروین شگفتی و حیرت خود را از آنچه می‌بیند و یا می‌شنود و یا آنچه بر او می‌گذرد، با ۵۷ بار تکرار ساخت‌هایی چون «ای عجب» نشان می‌دهد:

تا تو خاکی را منظم شد نفس      ای عجب! خود را پرستیدی و بس

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۸۱)

دی شکفت از گلبن و امروز شد      ای عجب! دیروزها امروز شد

(همان: ۱۳۷)

نازک در اشعارش از واژه حسرت «آه» ۴۹ بار استفاده کرده است که از واژگان پرکاربرد حوزه زنان می‌باشد، تعداد بکارگیری این الگوها در شعر این دو شاعر تقریباً یکسان است:

آه یا تلُّ، ها أنا منلما كنتُ/ فأرجع فردوسی المفقودا (الملائكة، ۱۹۹۷، ج ۱: ۳۳)

ترجمه: آه ای تپه‌سار! اینک من مانند گذشته‌ام هستم، بهشت گمشده‌ام را به من بازگردان.

وی علاوه بر «آه»، واژه «لیت» را نیز بسیار به کار برده است:

لِيتني لم أزل كما كنتُ قلباً/ ليس فيها إلا السنن و النقاء/ أبداً أصرفُ النهارَ على التلِّ/ و أبني على الرمالِ قُصوراً  
(الملائكة، ۱۹۹۷، ج ۱: ۳۳)

ترجمه: کاش همچون گذشته همواره قلبی باشم که جز نور و پاکی در آن نیست، همواره روی تپه، روز را سپری کنم و بر روی آن، کاخ‌های رویایی بنا کنم.

## ۲-۷-۲. الگوهای پرسشی

پروین اعتصامی و نازک الملائکه در مقام یک زن ادیب و بنا به روحیات زنانه خود، به ایجاد فضای ارتباط و مشارکت با مخاطب گرایش داشته و آن را از راه‌های مختلف نشان می‌دهند.

نخست از طریق کاربرد جمله‌های پرسشی؛ پروین از طریق پرسش‌گری، علاوه بر ارتباط مستقیم با مخاطب، او را به ادامه مطلب و دنبال نمودن پیام خود، تشویق می‌کند. پس از بررسی اشعار پروین، مشاهده گردید که کلمه‌های «چرا» ۱۳۴ بار، «چگونه» ۲۳ بار و «چه» ۵۷۶ بار تکرار شده است:

جمله را دیوانه نامیدم چو بگشودند در / گرد است، ایشان بدین نامم چرا نامیده‌اند؟

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۲۲)

چرا باید چنین خودکام بودن؟ / اسیر دانۀ هر دام بودن؟

(همان: ۹۲)

آگه چگونه گشت ز سود و زیان خویش / سوداگری که فکر سود و زیان نداشت

(همان: ۳۱۰)

چو گوی از دست ما بردند فرجام / چه فرق از اسب توسن بود یا رام؟

(همان: ۷۰)

دولت چه شد که چهره ز درماندگان اقبال از چه ز بیچارگان رسید؟

(همان: ۲۱۷)

نازک الملائکه در مجموعه اشعارش، کلمه‌های «این» ۵۷ بار، «ماذا» ۷۰ بار و «کیف» را ۷۳ بار بکار برده است. او نیز همچون پروین از طریق پرسشگری که یک روش زنانه است، بسیار استفاده کرده و با استفاده از این روش سعی در برابری با مخاطب داشته و به تشویق مخاطب برای ادامه سخن پرداخته است؛ هرچند بسامد این الگوها در دیوان پروین اعتصامی بیشتر است:

أین هابیل؟ این وَقَّ حُطی اَغنامِه/ فی الحُقُولِ وَ الودیان؟/ لیسَ مِنْهُ اِلَّا صَریحٌ کَنیبٌ/ شادَه فی العراءِ اَوَّلُ جانِ (الملائکه، ۱۹۷۷: ۴۱-۴۰)

ترجمه: کجاست هابیل؟ رد پای گوسفندان در دشت‌ها و دره‌ها کجاست؟

چیزی جز آرامگاهی غم‌آلود از او به جای نماند که نخستین جنایتکار، آن را در بیابان برافراشته است. حَدَّثِهِمْ عَن ذلک المَلِکِ الغابِرِ (میداس) کِیفَ کان مَصیرَه؟/ اَینَ ساقَتَه شَهوَةُ الذَّهَبِ العَمیاءُ/ ماذا جنی عَلَیهِ غُرورَه/ جَنَّ بِالثَّیرِ لَم یَعِدْ یَعشِقُ الأُنْجُمِ/ اِلَّا اِنْ اذْکرتُه سَناءُ... (الملائکه، ۱۹۷۷: ۳۵۵)

ترجمه: درباره آن پادشاه کهن «میداس» با آن‌ها سخن بگو که سرنوشت او چگونه بوده است؟ هوس کور و افسار گسیخته طلا او را به کجا کشاند؟ غرورش به او چه جنایتی کرد؟ او مجنون طلا شد و دیگر به ستارگان عشق نمی‌ورزید؛ مگر اینکه درخشش طلا را به یادش بیاورد.

### ۲-۷-۳. الگوهای جمع‌مدارانه

روش دیگر، برابری پروین با خواننده است. در واقع او دیدگاه «جمع‌مدارانه» به مسائل دارد؛ مسأله او، مسأله دیگران و درد او، درد دیگران است. کاربرد ضمیر جمع، نشانه ایجاد فضای مشارکت بوده و همسو با استراتژی «انسجام» در گروه زنان می‌باشد. در اشعار وی تنها ضمیر جمع «ما» به تعداد ۴۹۰ بار استفاده شده است؛ از جمله در موارد زیر:

تو پریشان ما و ما ایمن تو گرفتار ما و ما آزاد

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۳۱۷)

به سوزنی ز ره شکوه گفت پیرزنی بین ز جور تو ما چه زخم‌ها به تن

(همان: ۱۷۲)

ویژگی برابری و دیدگاه جمع مدارانه در اشعار نازک الملائکه نیز به گونه‌ای بارز دیده می‌شود؛ طوری که ضمیر «نحن» به صورت ضمیر بارز و مستتر ۵۰۰ بار در مجموعه اشعار وی بکار رفته است که از میزان تقریباً برابری با اشعار پروین برخوردار است:

نَحْنُ وَ هُنَا وَ هَمَانٍ، لَا لَوْنًا / لَا صَوْتًا وَ لَا شَكْلًا (الملائکه، ۱۹۹۷: ج ۱: ۶۶).

ترجمه: ما و اینجا دو ترس داریم، بی‌رنگ و بی‌صدا و بی‌شکل.

كَمْ بَحْنًا عَنِ السَّعَادَةِ لَكِنْ / مَا عَثَرْنَا بِكُوجِهَا الْمَسْحُورِ / سِرْتُ وَ حُدِي بَيْنَ الْقُصُورِ طَوِيلًا / أَسْأَلُ الْعَابِرِينَ أَيْنَ السَّعِيدُ؟ / سِرِّ بِنَا يَا طَرِيقُ نَحْوَ حِمَى الدَّيْرِ / فَقَدْ نَلْتَقَى الرِّضَا وَ الْأَمْنَا (الملائکه، ۱۹۹۷: ج ۱: ۳۹۷)

ترجمه: چه بسیار به جستجوی سعادت رفتیم اما کلبه سحرآمیزش را نیافتیم. تنهایی، مدتی طولانی در بین کاخ‌ها راه می‌رفتیم، در آن حال که از عابران می‌پرسیدم: کو خوشبخت؟ ای راه! ما را به سوی دیر رهنمون شو، شاید خشنودی و آرامش را بیایم.

کاربرد این گونه الگوها و ساخت‌های زبانی در اشعار پروین و نازک، نشانه سبک کاملاً زنانه این دو شاعر است. همچنین فراوانی جمله‌های پرسشی، داشتن زبانی سهل و ممتنع از خصوصیات سبکی پروین و نازک است.

## ۸-۲. ویژگی‌های کاربردی و فرازبانی

### ۸-۲-۱. انتخاب موضوع در اشعار پروین اعتصامی

از دیگر ویژگی‌های شعر پروین که وی در آن به شدت زنانه عمل کرده، انتخاب موضوع است. وی همچون سایر زنان به موضوعات و مسائل اجتماعی، خانوادگی و موضوعات عاطفی علاقه داشته و آن‌ها را به بحث می‌گذارد.

نقش گل به دلایلی چون لطافت، زیبایی، عمر کوتاه و آسیب‌پذیری آن، در اشعار پروین بسیار نمایان است. او بیش از ۱۰ شعر خود را به گل اختصاص داده است؛ از جمله «گل و خاک»، «گل و خار»، «گل سرخ» و «گل خودرو» و ...

موضوع‌های دیگری که دیدگاه زنانه وی را درباره مسائل مختلف نشان می‌دهد، عبارت‌اند از:

امید (در اشعار: لطف حق، گره‌گشای، عشق حق، نغمه صبح، شوق برابری و ...)

مهرورزی (در اشعار: بهای نیکی، خاطر خشنود، حدیث مهر و ...)

رنج روزگار (در اشعار: قلب مجروح، فریاد حسرت، شکسته، تیره‌بخت، خون دل، سفر اشک و ...)

پند و نصیحت (در اشعار: چند پند، بهای نیکی و ...)

مسائل زنان (در اشعار: شکایت پیرزن، مادر دوران‌دیش، بی‌پدر، زن در ایران و...) / ظلم و بی‌عدالتی (در اشعار: توانا و ناتوان، ربا، کودک آروزمند، تهی‌دست، ناتوان، شکایت پیرزن و...).

#### ۲-۸-۲. انتخاب موضوع در اشعار نازک الملائکه

نازک الملائکه نیز در اشعارش از عناصر مختلف طبیعت بسیار استفاده کرده است، به گونه‌ای که بیشتر عنوان موضوعاتش را به عناصر طبیعت اختصاص داده است (شجره القمر، إلى الوردة البيضاء، النهر العاشق، في جبال الشمال، ثورة على الشمس، عاشقة الليل، أنشودة الرياح، على تل الرمال، في أحضان الطبيعة، ليلة ممطرة، على وقع المطر، الغروب، رماد، الخيط المشدود في شجرة السرو، الأرض المحجبة، سخرية الرماد، ماذا يقول النهر؟، تلج و نار).

موضوعات دیگری که دیدگاه زنانه نازک را به مسائل نشان می‌دهد:

مسائل زنان (در اشعار: اطياف إنكسار الأنثوي، أفعوان، النائمة في الشارع، مأساة الحياة، عسلاً للعار، مرثية إمراة لا قيمة لها و...) / عاطفی (در اشعار: مرثية إمراة، جامعة الظلال، مأساة الأطفال، أحزان للشباب، آلام شيخوخة، النائمة في الشارع و...).

بررسی انتخاب موضوع در دیوان این دو شاعر، نشانه حساسیت و ظرافت زنانه آنان در انتخاب موضوعات شعری می‌باشد و نشان می‌دهد هر دو به عنوان یک زن در جامعه آن روز به مسائل زنان اهمیت زیادی داده‌اند.

#### ۲-۸-۳. مضامین مادرانه در شعر پروین اعتصامی

مهر و محبت مادرانه، اصیل‌ترین و به رسمیت شناخته‌شده‌ترین عاطفه زنانه است که فرهنگ مردسالار نیز همواره آن را ستایش کرده و در شعر زنان و مردان، همواره نمود داشته است. اعتبار زنان در طول تاریخ به واسطه این عاطفه به رسمیت شناخته شده است. اما جای شگفتی است که در محدود اشعار باقی‌مانده زنان تا پیش از مشروطه، این مهر و عشق گرچه با کارکردهای زن در نظام سنتی هماهنگ بوده، ولی نمودی نیافته است. شاید دلیل این امر را بتوان با نظریه‌های ادبی فمینیستی جدید یافت. «کم اهمیت دانستن احساسات زنانه از جانب خود آنان در طول تاریخ، در مقایسه با احساسات مردانه و فرهنگ‌سازی چون پند، اندرز، حکمت، عرفان و خود ضعیف‌پنداری زنان باعث شده که طبیعتاً زن شاعر تمایل داشته باشد خود را با عنصر مسلط و فرهیخته اجتماع، یعنی مرد، همانندسازی کند و به



مسائل مهم تری نسبت به احساسات بی‌ارزش زنانه یا دل‌نگرانی‌های شخصی خود پردازد و اصلاً این مسائل را قابل طرح در اجتماع نداند و از طرح آن‌ها شرم داشته باشد؛ زیرا در طول تاریخ میان «مذکر»، «غیرشخصی»، «بی‌طرف»، «عینی» و «عمومی»، با تجربه «مؤنث»، «ذهنی»، «شخصی» و «خصوصی» تقابل وجود داشته است» (سلدن، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

در ادبیات معاصر، شعرهای سروده شده برای مادر و حتی شعرهایی که به رابطه میان مادر و فرزند می‌پردازند، بسیارند؛ اما کمتر شعری است که بازتاب لحن مادرانه باشد. شعر اعتصامی، شعری مادرانه است و شاعر با لحنی مهربان و واژگانی ساده، نه در قالبی کودکانه با فرزند سخن می‌گوید؛ به گونه‌ای که به راحتی می‌توان نگرانی‌ها، مهر و عطوفت یک مادر را در کلام وی یافت. گرچه پروین برای کودکان شعر نسرایده اما شعر وی نمودار واقعی شعر کودک است (شریفی‌مقدم و بردبار، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

فرزند ز مادر است خرسند بیگانه کجا و مهر مادر

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۳۵)

چون دید تو را ضعیف و بی‌پر زیر پر خویشتن نشاندت  
بس رفت به کوه و دشت و کهس تا دانه و میوه‌ای رساندت

(همان: ۳۹)

ابزارهای کلامی‌ای که به پروین کمک می‌کند تا بتواند با لحنی صمیمانه، ارتباط عاطفی بیشتری با مخاطب خود برقرار کند، شامل: واژگان ساده، موضوع‌های آشنا و مأنوس و نیز کلام قابل فهم وی است که همراه با حس و احساس انس با خواننده، توانسته مجموعه‌ای ماندگار، لطیف و سرشار از ظرافت زنانه را ارائه دهد.

## ۲-۸-۴. مضامین مادرانه در شعر نازک الملائکه

نازک الملائکه شعری برای کودکان سروده است؛ شعر لالایی گونه‌ای است که مادر برای خواباندن کودکش با زبان قابل فهم کودکانه می‌سراید. این به دلیل تجربه مادری نازک الملائکه است؛ نازک در قالب کودکانه برای فرزندش شعر «أغنية لطفلي» را سروده است. او در سروده‌اش به خواب تشخیص می‌دهد و آن را به صورت موجودی صاحب اراده به تصویر می‌کشد. وی شعرش را با کلمات «ماما ماما» آغاز می‌کند، تا مادر به طور کاملاً عاطفی به دنیای کودکش وارد شود و با او سخن بگوید:

ماما ماما ماما/ براق الحلو اللثغة ينوي التوما/ والتوم وراء الربوة هياً حلما/ والحلم له أجنحة وترقى النجما/  
والنجم له شفة و تحب اللثما/ واللثم سيوقظ طفلي (الملائكة، ۲۰۰۸: ج ۲: ۲۲۶)

ترجمه: ماما ماما ماما، براق زیبا که نك زبانی حرف می‌زند، قصد دارد بخوابد. خواب، پشت تپه پنهان شده و رؤیایی را آماده کرده است. خواب بال‌هایی دارد و با آن به گستره ستارگان اوج گرفته است. ستاره لپی دارد و بوسیدن را دوست دارد. بوسیدن، کودک من را بیدار خواهد کرد.

نازک به موجودات شخصیت می‌دهد؛ همانند عالم کودکان که هر چیزی را شخصیت می‌دهند؛ مثلاً با درختان حرف می‌زند و یا ابر از آسمان فرود می‌آید تا حرارت خورشید را سایه اندازد و مانع تابش خورشید باشد و... نازک در قالب شعرش با منطق کودکانه از زبان مادر حرف می‌زند و به کودکش خبر می‌دهد که خواب پشت تپه مخفی شده است و اشاره او به مخفی شدن پشت تپه، چیزی شبیه قایم‌باشک بازی دنیای کودکان را تجسم می‌کند و به همین دلیل فرزند کوچکش «براق» می‌فهمد که خواب، کودکی مثل اوست که می‌خواهد با او بازی کند. علاوه بر جان دادن به اشیاء، نازک در لابه‌لای شعرش عشق به طبیعت را از زبان مادر آموزش می‌دهد. مخفی شدن خواب پشت تپه‌ها در دنیای پهناور، نه در چهارچوب اتاق و یا پشت صندلی، عظمت هستی را به یاد می‌آورد. در این شعر دامنه خیال‌پردازی گسترش یافته است، تا جایی که خواب را دارای بال‌هایی می‌داند مثل پرندگان و گنجشکان که کودکان بسیار به آن‌ها علاقه‌مند هستند. شاعر اشیاء را به شکل لطیفی بیان می‌کند (ماما الحلو، والکائن الجمیل الیوم، الربوة والحلم) و به فهم کودک نزدیک می‌کند که این چیزها زیبا هستند. در عین حال در این سروده قصه‌ای جذاب را بیان کرده و با زبانی ساده در اندیشه کودک اثر گذاشته و با تکرار کلمات، ذهنش را به معنای مورد نظر سوق می‌دهد.

پروین همچون نازک الملائکه سروده لالایی گونه‌ای در اشعارش نداشته است؛ این شاید به دلیل محروم بودن او از این تجربه است؛ ولی به عنوان یک زن اشعارش پر از مضامین مادرانه است. طبیعی است که چون پروین مادر نبود، احساسات مادرانه او شخصی و خصوصی نیست؛ بلکه حس مادرانه او نسبت به کل هستی و همه کودکان در اشعارش متجلی است.

### ۳. نتیجه

۱. واژگان مورد استفاده در اشعار پروین و نازک طبق یک گرایش عام زنانه دارای ویژگی محدودیت نسبی بوده که در میان آن‌ها کلمات تکراری فراوان دیده می‌شود. به علاوه، واژگان مربوط به رنگ‌ها و گل‌ها و نیز کلمات حاوی بار احساسی و صورت‌های وصفی نیز فراوانی درخور توجهی دارند.

۲. در انتخاب ساختارها و الگوهای زبانی، پروین و نازک پیرو الگوهای خاص گونه زبانی جنس خود هستند. استفاده از ساختارهای تعجیبی و پرسشی، کاربرد ضمیرهای جمع به ویژه ضمیر «ما» برای ایجاد نوعی فضای مشارکت و ارتباط با مخاطب و نیز ترجیح به کاربرد گونه زبانی غیر مستقیم و نیز زبان انتقاد سربسته، نشان‌دهنده انتخاب زنانه پروین و نازک است.

۳. پروین و نازک برای بیان دیدگاه اخلاق‌گرای خود، از موضوع‌های کاملاً موافق و مأنوس با جنسیت خود استفاده می‌کنند. توجه به مسائل خانوادگی و اجتماعی و نیز موضوع‌های عاطفی و احساسی از جمله: پند و اندرز، هشدار، ناله و افسوس، امید، تقدیر و سرنوشت و نیز مشکلات زنان، بیانگر روحيات زنانه آن دو است.

۴. مضامین مادرانه در اشعار پروین اعتصامی از لحاظ کمیت بیشتر از اشعار نازک الملائکه است؛ ولی با وجود این پروین اعتصامی هیچگاه لالایی برای کودکان نسروده است؛ ولی نازک الملائکه با وجود اینکه مادری را شاید مانعی برای حفظ استقلالش می‌دانسته اما چون از این موهبت برخوردار بوده، توانسته در شعرش به راحتی با کودکان ارتباط برقرار کند و به دنیای آنان کاملاً آشنا بوده و یکی از قصیده‌های خود را به لالایی‌ای برای کودک اختصاص داده است.

۵. سبک زنانه و به کار بردن الگوهای زبانی آن در دیوان پروین اعتصامی پررنگ‌تر از به کارگیری آن در دیوان نازک الملائکه است.

۶. نکته آخر اینکه اگر بین متغیر جنس و ویژگی‌های زبانی، رابطه‌ای منظم و قاعده‌مند برقرار است، وجود ویژگی‌های زبانی، نسبی بوده و نوعی گرایش نظام‌مند به شمار می‌رود. بنابراین، انتظار بر این نیست که کلیه ویژگی‌های ذکر شده، در تمام نمودهای گفتاری و نوشتاری گروه زنان مشاهده شود و نیز اینگونه نیست که هیچکدام از ویژگی‌های فوق را نتوان در کلام گروه مخالف یافت؛ بلکه ویژگی‌های گونه زبانی جنس، نموداری تصویرگونه از گرایش‌های کلامی گروه خود را نشان می‌دهد که در اعضای آن گروه در مقایسه با گروه مخالف به طرز معناداری بیشتر مشاهده می‌گردد.

#### کتابنامه

#### الف: کتاب‌ها

۱. اعتصامی، پروین (۱۳۸۷)؛ **دیوان با مقدمه ملک الشعراء بهار**، چاپ چهارم، تهران: نگاه.
۲. براهنی، رضا (۱۳۷۴)؛ **گزارش به نسل بی‌سن فردا**، چاپ اول، تهران: مرکز نشر.
۳. پاک‌نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۱)؛ **فرا‌دستی و فرودستی در زبان**، تهران: گام‌نو.
۴. ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶)؛ **زبان‌شناسی اجتماعی**، ترجمه: محمد طباطبایی، تهران: آگه.
۵. سلدن، رمان و دیگران (۱۳۸۴)؛ **راهنمای نظریه ادبی معاصر**، چاپ سوم، تهران: جاویدان.
۶. عبادیان، محمود (۱۳۶۸)؛ **درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی در ادبیات**: نکات، نظرات و نمونه‌های تمرینی از ادب فارسی در فراگیری سبک، تهران: جهاد دانشگاهی.
۷. علوی، هدایت (۱۳۸۶)؛ **زن در ایران باستان**، تهران: هیرمند.
۸. فتوحی، محمود (۱۳۹۰)؛ **سبک‌شناسی**، تهران: سخن.

۹. فخري عمّارة، اخلاص (۱۹۹۲)؛ الشاعر و هموم الإنسان المعاصر، قاهرة: مكتبة الآداب.
۱۰. قبانى، نزار (۱۳۶۳)؛ شعر، زن و انقلاب، ترجمه: عبدالحسين فرزاد، تهران: امير كبير.
۱۱. مايلز، رزاليند (۱۳۸۰)؛ زنان و زمان، ترجمه: على آذرننگ (جبارى)، تهران: نشر نى.
۱۲. مقدادى، بهرام (۱۳۷۸)؛ كيميائى سخن، تهران: هاشمى.
۱۳. مكاريك، ايرنا ريما (۱۳۸۳)؛ دانشنامه نظريه‌هاى ادبى معاصر، ترجمه: مهران مهاجر و محمد نبوى، تهران: نشر آگه.
۱۴. الملائكة، نازك (۱۹۷۷)؛ الديوان، بيروت: دار العودة.
۱۵. ----- (۱۹۹۷)؛ الديوان، ج ۱ و ۲، بيروت: دار العودة.
۱۶. ----- (۲۰۰۸)؛ الأعمال الشعرية الكاملة، ج ۲، بيروت: دار العودة.
۱۷. نجم عراقى، منيژه و ديگران (۱۳۸۵)؛ زن و ادبيات: سلسله پژوهش‌هاى نظرى درباره مسائل زنان، تهران: چشمه.
14. Sapir, E. (1931). *Language: An Introduction to the Study of Speech*. New York: Harcourt, Brace.
15. Wardhaugh, R. (1990). *An Introduction to Sociolinguistics*. Oxford: Basil Blackwell Ltd.
16. Malmkjar, K. (2000). "Language And Gender" in: *Encyclopedia of Linguistics*. Vol.1. New York: Routledge. Pp.259-265.

#### ب: مجله‌ها

۱۷. شريفى مقدم، آزاده و بردبار، آناهيتا (۱۳۸۹)؛ «تمايز گونگى جنسيت در اشعار پروين اعتصامى»، سال دوم، دو فصلنامه علمى - پژوهشى علوم انسانى دانشگاه الزهراء (س)، صص ۱۵۱-۱۲۶.

## دراسة مقارنة للأسلوب اللغوي والفكري وتحليل اللغة الجنسية

### في أشعار بروين اعتصامي و نازك الملائكة<sup>١</sup>

قاسم مختاری<sup>٢</sup>

أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة أراك، إيران

معصومة درخشان<sup>٣</sup>

ماجستيرة في اللغة العربية و آدابها من جامعة أراك، إيران

#### الملخص

الأدب المقارن يبحث عن الجوهر الرئيسي للأدب حتى يوفّر التفاهم والسّلام العالمي بتقريب الفكر البشري. إن بروين اعتصامي و نازك الملائكة من شهيرات الشاعرات في الأدب الفارسي والأدب العربي. هذا البحث مع افتراض أن بين المؤشر الاجتماعي الجنسيّ وخصائص لغة المرأة علاقة مباشرة ومنتظمة؛ عبر اتكائه على التّزعات العامة المؤثرة على التّصرفات الكلامية في لغة النساء يحاول أن يُثبت أن بروين اعتصامي و نازك الملائكة تتبعان مواصفاهما الرّوحية النسوية في كثير من الخصائص اللغوية كاستخدام الصور والمعجم اللغوي، والتراكيب، والأنماط اللغوية، واختيار المواضيع وتطبيق خصائص ماوراء اللغة في شعرهما بحيث يمثل شعرهما تماماً الأسلوب النسوي. إذن يمكننا القول أن شعر بروين اعتصامي و نازك الملائكة نموذج حقيقي لانتقاءات لغوية نسوية وأن شعرهما يمثّل الخلق والأسلوب النسوي وتمثّل فيه اللغة التابعة لجنسهما. هذا البحث يقارن الأسلوب النسوي في أشعار هاتين الشاعرتين. يرجع اختلاف أشعارهما في كمية استخدام المواضيع النسوية وهذه المواضيع أكثر وأبرز في أشعار بروين اعتصامي. وقد تم هذا البحث استناداً إلى المدرسة الأمريكية في الأدب المقارن.

الكلمات الدلّيلية: الأدب المقارن، الأسلوب النسوي، اللغة الجنسية، بروين اعتصامي، نازك الملائكة.

١. تاريخ الوصول: ١٣٩٣/١٢/٥

تاريخ القبول: ١٣٩٤/٣/٢٧

٢. العنوان الإلكتروني للكاتب المسؤول: q-mokhtari@araku.ac.ir

٣. العنوان الإلكتروني: derakhshanm46@yahoo.com

